



عکس: نعیم احمدی / ایران

کالبد شکافی ۳۸ سال دیپلماسی ایران

بررسی فراز و فرودهای سیاست خارجی، در میزگرد حسین واله و ابراهیم متقی

یعنی این شعار تهاجمی نبود؟

متقی: این سیاست، واکنشی در برابر الگوی بازی بزرگی بود که انگلیس و روسیه در قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ در ایران پیگیری می کردند. در شرایط آغازین انقلاب اسلامی که هم ایدئولوژیک بود و هم انگاره های ژئوپلیتیک داشت، «سیاست نه شرقی، نه غربی» به معنای نفی دخالت قدرت های بزرگ در داخل نبود بلکه مشروعیت اداره امور جهانی توسط قدرت های بزرگ مورد انتقاد جدی قرار می گرفت که می توان این مسأله را به عنوان محور سیاست خارجی ایران و مرکز جهت گیری سیاست خارجی آن تلقی کرد. نقش ملی سیاست خارجی ایران که مبتنی بر دیپلماسی است باید بر اساس این جهت گیری شکل می گرفت. بر همین اساس است که هنوز سیاست نه شرقی و نه غربی بر سر در دیوار وزارت خارجه ایران نقش بسته است زیرا در بطن خود یک نوع فلسفه جهانی دارد و یک انگاره فراتر از روابط خارجی و دیپلماتیک عادی را منعکس می کند.

به موضوع دولت بازگان درباره امریکا اشاره داشتید... شورای انقلاب در آن مقطع (سال های ۵۷ و ۵۸) نسبت به این موضوع چه نظری داشت؟

متقی: شورای انقلاب هم نقش مجلس را داشت و هم یک نوع نقش وتویی و نظارتی ایفا می کرد. ارتباط این شورا تا مهر ۱۳۵۸ با دولت موقت همکاری جویانه بود.

آیا درباره امریکام اشتراک نظر وجود داشت؟

متقی: بله؛ به طور کلی در زمینه روابط خارجی نوع نگاهی که به دولت امریکا وجود داشت هم نظری وجود داشت. بر اساس اسناد اشغال سفارت امریکا، هیچ انگاره ای وجود ندارد که نشان دهد این دو حوزه جناحی در ایران درباره امریکا اختلاف نظر داشته باشند. البته جیمز بیل در کتاب عقاب و شیرش، علت این مسأله را انکار آزادی دیپلمات های امریکایی می داند و می گوید دیپلمات های امریکایی دچار اشتباهات تحلیلی شدند.

آقای واله به این موضوع اشاره شد که در اوایل انقلاب نوع نگاه حاکمیت ایران غرب ستیز نبوده است و شورای انقلاب (تامهر ۵۸) چنین تفکری نداشتند.

واله: باید دیپلماسی ایران بعد از انقلاب را به سه دوره تقسیم کرد؛ دوره انقلاب، دوره جنگ و دوره بعد از جنگ. ابتدای انقلاب، شرایط انقلابی حاکم بود و ساز و کارهای رسمی و مؤسسات موجود از کار افتاده بود و هرچ و مرجع در تصمیم گیری ها وجود داشت. در حوزه دیپلماسی هم این آشفتگی حاکم بود. تلاش رهبر انقلاب معطوف به سازمان دادن یک نظام جدید بود. این بحث مطرح نبود که با امریکا چه باید کرد. در مورد سایر کشورها هم دیدگاه خاصی وجود نداشت حتی کسانی که در این زمینه سؤال هایی داشتند پاسخی نمی یافتند چون اهمیت سؤالشان درک نمی شد.

شاید بتوان امریکارادرا این باره مستثنی کرد.

واله: نه این طور نبود که حاکمیت ایران در روزهای آغازین انقلاب

مریم سالاری/ سیاست خارجی در سال های پس از انقلاب اسلامی روزهای پرفراز و نشیبی را از سر گذرانده است؛ دورانی که سفارت امریکا در تهران به اشغال دانشجویان انقلابی درآمد و رابطه تهران و واشنگتن را بحرانی کرد تا زمانی که چالش هسته ای با قدرت های بزرگ قریب به ۱۲ سال در کانون روابط کج دار و مریز جهان با ایران نشست. سیاست خارجی در این تلاطم ۳۸ ساله در مسیر گفتمان های واقع بینانه دولت سازندگی، آرمان گرایانه دولت اصلاحات و شعاری دولت احمدی نژاد برای ایجاد توازن بین قدرت های بزرگ یا همکاری با یکی علیه دیگری جریان داشته است. این در حالی بود که اختلاف بر سر برنامه هسته ای ایران به نقطه جوش این مناسبات پرافت و خیز بدل شد تا دست کم سایر موضوعات اختلافی برای یک دهه حاشیه نشین شود، اما این دور بدبینی پا گرفته در روابط ایران و جهان غرب که تحت تأثیر سیاست ایران هراسی امریکابر دشواری های حل سوء تفاهم هسته ای افزوده بود یا کلید تدبیر دولت یازدهم از شتاب افتاد. رخدادی که اگر چه به حال مناسبات ایران و امریکا به دلیل اختلافات ریشه دار تاریخی فایده ای نداشت و از دشمنی هانکاست اما ایران و اروپا را وارد عصر جدیدی از مناسبات کرد؛ عصری که حلاج جهان با پیروزی دونالد ترامپ در امریکا و پیام های معنادار و خطرناک او به حامیان صلح و گفت و گو در معرض تهدیداتی جدی قرار گرفته است... در باره این فراز و فرودهای تاریخی در نشست با دکتر حسین واله، استاد دانشگاه شهید بهشتی و دکتر ابراهیم متقی، استاد بین الملل دانشگاه تهران به بحث و گفت و گو نشستیم که در ادامه از نظر می گذرد:

سیاست خارجی را دیگالیزه شد. به هیچ وجه در روزها و ماه های اولیه انقلاب این ذهنیت وجود نداشت که ایران و امریکا درگیر شوند حتی امریکا «ریچار دکاتم» را به عنوان سفیر جدیدش معرفی کرد و جالب اینجاست که دولت موقت کاتم را فقط به این دلیل که دارای سابقه امنیتی بود، نپذیرفت.

نپذیرفتن «کاتم» تصمیم دولت موقت بود یا حاصل نظرات و فشار گروه های خارج از دولت؟

متقی: فکر می کنم خود دولت موقت آن زمان می توانست تصمیم گیری کند. البته حوزه سیاست خارجی دولت موقت هم یک تضادهایی با شورای انقلاب داشت. مثلاً نماینده ایران در سازمان ملل فردی به نام وحانی بود که تحت تأثیر فشارهای ابراهیم یزدی انتخاب شده بود. نخستین حوزه های اختلاف نظر نهضت آزادی و جبهه ملی که ارتباط نزدیکی با یکدیگر داشتند و با همدیگر کار می کردند، درباره این بود که در زمینه سیاست خارجی چه ساختار سازمانی را باید شکل داد. در آن مقطع، ابراهیم یزدی را دیگال تر از کریم سنجابی (وزیر امور خارجه در دولت موقت مهدی بازرگان) به حساب می آمد اما روندهای سیاست خارجی ایران به گونه ای تدریجی را دیگال شد یعنی هر قدر ساخت داخلی به سمت را دیگال شدن رفت، آثار آن در حوزه بیرونی هم انعکاس پیدا کرد اما بحث «نه شرقی، نه غربی» یک امر پذیرفته شده در تاریخ ایران بود که شاید قبل از آن نخستین بار از سوی شهید مدرس مطرح شده بود که مفهوم موازنه عدمی را مطرح می کرد. بعد از مرحوم مدرس، دکتر مصدق سیاست موازنه منفی را در پیش گرفت اما سیاست موازنه عدمی و موازنه منفی مبتنی بر انگاره های را دیگال و انقلابی نبود به این دلیل که محوریت ذهنی در ابتدای انقلاب بر این مقرر داشت که ایران به قدرت های بزرگ نیازی ندارد و به آنها هم اجازه نمی دهد که امتیازات ویژه در داخل کشور به دست آورند.

انقلاب سال ۵۷ ماهیت متفاوتی از سایر انقلاب ها داشت... آیا این تفاوت ها در دیپلماسی هم نمود پیدا کرد؟ و اساساً در سیاست خارجی چه بازتابی داشت؟

متقی: دیپلماسی ایران بویژه در روزهای آغاز شکل گیری انقلاب دارای نشانه های تناقض نما در حوزه سیاست داخلی بود. عمر وزیر خارجه دولت موقت بسیار محدود بود؛ در همان دوران هم تضادهای زیادی بین کارگزاران و مسئولان سیاست خارجی ایران به وجود آمده بود. از بهمن ۵۷ تا سال ۵۹ به مدت ۲ سال چهار نفر تصدی حوزه سیاست خارجی ایران را عهده دار شدند. به این ترتیب از منظر ساختاری فضای ناپایداری که مبتنی بر دیدگاه های متفاوت کارگزاران سیاست خارجی ایران بود، بر کشور حاکم شده بود. در دوره دولت موقت بحث صدور انقلاب در دستور کار قرار داشت. بازرگان به این موضوع توجه داشت که صدور انقلاب لازم و اجتناب ناپذیر است اما فرآیندش باید به گونه ای باشد که با به وجود آوردن زمینه های پذیرش و الهام پذیری، مطلوبیت یک نظام و جامعه نمونه را به وجود آورد. در همان دوران نگاه های متفاوتی از سوی افرادی خارج از دولت وجود داشت که صدور انقلاب را بر اساس یک انگاره مکانیکی تحلیل می کردند. موضوع دیگر بحث نگاه به جهان غرب و جهان سوسیالیست بود. در مراحل آغازین انقلاب، این نگاه وجود داشت که با امریکا و جهان غرب می توان کار کرد.

این نگاه غالب دولت بود یا حاکمیت؟

متقی: نگاه غالب در کشور معتقد بود که امکان همکاری با امریکا و جهان غرب وجود دارد؛ نگاه حاکمیتی که در ایران شکل گرفته بود.

یعنی غالب مسئولان معتقد بودند که می توان با امریکا رابطه داشت؟

متقی: بله مقام های عالی کشور معتقد به ارتباط با امریکای بودند اما بتدریج که فضای جامعه را دیگالیزه شد، به همان اندازه هم روندهای